



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۰۹-۱۹۳

مقاله پژوهشی

## بررسی ابعاد سیاستگذاری جرم دولتی در ایران

عباس شیری<sup>۱</sup>

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۱)

### چکیده

مفهوم نوظهور جرم دولتی ناظر به رفتارهای به ظاهر قانونی دولت‌ها در نقض حقوق شهروندان، تخریب محیط زیست، نابودی میراث فرهنگی، سوء استفاده از قدرت، گسترش بی‌عدالتی، تبعیض و فساد می‌باشد. جرم دولتی، ارتباط وثیقی با ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و به ویژه نهادهای اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری دارد. سیاستگذاری عمومی در حوزه‌های یاد شده تأثیر بسزایی در کاهش یا افزایش جرم دولتی دارد. سیاستگذاری‌های جنایی در سیاست‌های کلی نظام قوانین و اسناد بالادستی ملی در شناسایی این آسیب‌ها، پیش‌گیری و کنترل جرم دولتی مؤثر است. در این مقاله، مفهوم جرم دولتی و مصادیق آن، نقش و جایگاه سیاست‌های کلی نظام، قوانین بالادستی و اسناد بین‌المللی به منظور شناسایی سیاستگذاری جنایی ایران در قلمرو جرم دولتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** جرم دولتی، سیاستگذاری جنایی، مفهوم قانون، دولت قانونی، دولت قانونمند، حقوق بنیادین.

<sup>1</sup> نویسنده مسئول Email: Ashiri@ut.ac.ir

## مقدمه

تمامی رفتارهای دولت<sup>۲</sup> مشروع نیست. ممکن است دولت‌ها به جهت نیل به اهداف خویش، دست به اقدامات نامشروع بزنند و حقوق بنیادین شهروندان را نقض و آسیب‌های جدی نسبت به حیات، سلامتی، بهداشت و اموال آنان وارد آورند یا حتی جنایاتی علیه بشریت، نسل‌کشی و محیط زیست مرتکب شوند. اقدامات دولت نازی در آلمان، جنایات جنگی در جنگ جهانی اول و دوم، جنایات ارتكابی توسط اسراییل علیه فلسطینی‌ها، کشتار مردم حلبچه توسط صدام، قاچاق مواد مخدر توسط دولت‌های آمریکای لاتین، نسل‌کشی در رواندا و مثال‌های متعدّد دیگر، نشان دهنده این است که نمی‌توان کلیه اقدامات دولت‌ها را مشروع تلقی کرد<sup>۳</sup>. این رفتارها، فراتر از اقدامات بزهکارانه مقامات دولتی ارزیابی شده و بازتاب دهنده سیاست‌های رسمی دولت است که در جهت منافع دولت به عنوان شخص حقوقی ارتکاب می‌یابد و اصولاً مقامات دولتی نفع شخصی مستقیم در ارتکاب این رفتارها ندارند. رفتارهای مذکور ممکن است آسیب‌های جدی به شهروندان وارد آورده و حقوق بنیادین آن‌ها را نقض نماید. در این صورت با مفهوم نو ظهور جرم دولتی روبرو می‌شویم. منظور از جرم دولتی<sup>۴</sup>، رفتارهای به ظاهر قانونی دولت در نقض هنجارهای بنیادین داخلی و بین‌المللی، حق‌های طبیعی شهروندان و حقوق بشر است. فارغ از معیارهای تعریف جرم دولتی و رویکردهای گوناگون<sup>۵</sup> به آن، جرم دولتی؛ متضمن آسیب‌های جدی محسوس و نامحسوس به شهروندان می‌باشد. مهم‌ترین چالش جرم دولتی، عدم شناسایی آن در قوانین موضوعه است. زیرا، جرم به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، فعل یا

۲- دولت (State) در این مقاله به معنای محدود یعنی قوه مجریه نمی‌باشد، بلکه در معنای موسّع، شامل قوای سه گانه و نهادهای وابسته به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- برای مطالعه در موارد یاد شده رک: — رابو، دیدیه: حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر بهزاد رضوی فرد — دکتر محمد فرجی، صص ۶۳۹ تا ۷۰۸، چاپ اول، ۱۳۹۹، نشر میزان.

۴- جرم دولتی (crime state) اواخر قرن بیستم موضوع پژوهش‌های جرم‌شناسان قرار گرفت، کتب و مقاله‌های متعددی در این خصوص منتشر گردید. برخی از نویسندگان معادل جرم حکومتی را برای آن برگزیده‌اند. در این باره رک: غلامی، حسین / غلامی، نبی‌الله: جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کودکان خیابانی شهر تهران)، مندرج در مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹: صص ۵۱۸-۴۹۷.

۵- برای آگاهی از این تعاریف رک: Green, Penny/Ward, Tony: STATE CRIM; Governments, Violence and Corruption, P 111, First published 2004, Pluto Press, London.

ویلیام چمبلیس همراه با کریستوفر جی مَلنی، یک دوره مفصل چهار جلدی درباره جرم دولتی متضمن مقالات متعددی از پژوهشگران جرم‌شناسی تهیه کرده که توسط انتشارات رتلیج منتشر شده است.

در جلد اول این کتاب مقالاتی در تبیین مفهوم جرم دولتی به نگارش درآمده است. عنوان کامل کتاب بدین شرح است: Chambliss, William J/Moloney, Christopher: STATE CRIME; Critical Concepts in Criminology, First published, 2015, Routledge, New York.

چمبلیس از اولین پژوهشگران جرم دولتی است. کتب چهار جلدی یاد شده حدوداً ۲۰۰۰ صفحه می‌باشد. هم‌چنین رک:

آسلت، کریستین: رویکرد جرم‌شناختی به جرایم دولتی و پا سخ به آن‌ها، ترجمه دکتر جم‌شید غلاملو و دکتر آزاده صادقی، مندرج در کتاب: رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، صص ۱۰۳ تا ۱۳۴، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، نشر میزان.

ترک فعلی است که قانون برای آن تعیین مجازات کرده است.<sup>۶</sup> به همین جهت، ممکن است این اصطلاح گمراه کننده و حتی اشتباه دانسته شود. این اشکال ابتداء مانع جدی برای پژوهش‌های جرم‌شناسی بود، ولی امروزه بی‌اعتنا به این اشکال، جرم‌شناسان مفهوم جرم دولتی را گسترش داده و به موضوع جرم‌شناسی در دهه اخیر تبدیل کرده‌اند. این اشکال را نمی‌توان نادیده گرفت، ولی سابقه ذهنی حقوقی درباره جرایم بین‌المللی<sup>۷</sup> و گسترش مباحث مربوط به دولت قانونمند و تفوق روزافزون حقوق فرا ملی و اسناد بین‌المللی بر حقوق ملی، این اشکال را تا حدود زیادی مرتفع نموده است. مولینز و روت در این باره می‌نویسند: «استفاده از حقوق بین‌الملل - شامل قوانین عرفی، پیمان‌ها، منشورها، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی - قدرت‌مندترین مبنا را برای تعریف جرایم دولتی تشکیل می‌دهد، زیرا این چارچوب شامل معیارهایی مانند حقوق بشر و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و مبنای حقوقی محکمی را نیز ارائه می‌دهد»<sup>۸</sup>. سیاست‌های کلی نظام نیز، رهنمودهای مناسبی برای جرم‌انگاری جرم دولتی فراهم نموده است که در بندهای بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

### الف - از دولت قانونی تا دولت قانونمند

یکی از چالش‌های مهم جرم دولتی، تبیین مفهوم قانون است.<sup>۹</sup> تفاسیر گوناگون از قانون، اساس تفکیک بین مفهوم دولت قانونی و دولت قانونمند یا حقوقی را تشکیل می‌دهد. در این بند ابتدا مفهوم قانون مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس دولت قانونی و دولت قانونمند تبیین می‌گردد.

#### ۱- مفهوم قانونی

مفهوم قانون، فراتر از تعاریف ساده‌ای که حقوق‌دانان ارائه کرده‌اند، تفسیر می‌شود. هارت در پاسخ به این پرسش که «قانون چیست؟» به سه ویژگی مهم درباره قانون اشاره می‌کند. ویژگی

۶- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باره مقرر می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

۷- سران نازی‌ها در دادگاه نورنبرگ و توکیو به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها استناد کردند. جرم بین‌المللی دولت‌ها با تصویب اساسنامه توکیو و نورنبرگ و محاکمه نازی‌ها ابعاد گسترده‌تری یافت. جرایمی نظیر توطئه و جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت از محورهای اصلی محاکمه‌های مذکور بود. رفته رفته نسل‌کشی، شکنجه و جرایم دیگری نیز به عنوان جرایم بین‌المللی مطرح شد. با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و آغاز به کار آن از سال ۲۰۰۳ میلادی، این تحولات گسترش یافت. برای آگاهی در این باره رک.:

— نجفی ابرنآبادی، علی حسین: مسئولیت کیفری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۳، صص ۱۷۱ تا ۱۹۹.

— ماری دوپویی، پیر: ملاحظاتی پیرامون جرم بین‌المللی دولت، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، مندرج در مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، شماره ۱۳، صص ۲۷۵ تا ۳۲۰.

۸- لسلت، کریستین: منبع قبلی، ص ۱۱۰.

۹- هر چند در نگاه اول، قانون مفهومی بدیهی و بدون نیاز به توضیح به نظر می‌رسد، ولی محتوای مقالات و کتب نگارش یافته و تأثیر آن در اندیشه‌های حقوقی، نشان می‌دهد که نقطه آغازین بسیاری از نظریه‌های مبتنی بر مفهوم قانون است. در این ارتباط رک.:

— هارت، هربرت: مفهوم قانون: ترجمه دکتر محمد راسخ، چاپ دوم، ۱۳۹۰، نشر نی.

— جعفری‌تبار، حسن: منطق حیرانی در باب استدلال حقوقی، چاپ اول، ۱۳۹۹، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.

— برتران متیو: قانون، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، ۱۳۹۱، نشر میزان.

اول الزامی بودن است یعنی «برخی از انواع رفتار انسانی دیگر اختیاری نیست»<sup>۱۰</sup>. هارت به خوبی می‌داند که این ویژگی قانون نمی‌تواند آن را از مفهوم زور و تهدید متمایز سازد. همان‌گونه که بزهکاران هم می‌توانند دیگران را به زور ملزم به اطاعت از خویش بنمایند. هم‌چنین نظام‌های استبدادی می‌توانند با تصویب قانون، آن را الزامی دانسته و شهروندان را مجبور به اطاعت نمایند. به همین جهت در جرم دولتی مفهوم الزامی بودن به چالش کشیده شده است<sup>۱۱</sup>. هارت ویژگی دوم را رعایت قواعد اخلاقی می‌داند. «قواعد اخلاقی موجب تکالیف‌اند و برخی حوزه‌های رفتار را از دایره انتخاب آزاد آن‌چه فرد مایل به انجام آن است خارج می‌سازند»<sup>۱۲</sup>. بدین ترتیب ارتباط تنگاتنگ اخلاق و حقوق در مفهوم قانون بازتاب داده می‌شود. قواعد اخلاقی نظیر عدالت، آزادی، حق انتخاب، و نظایر آن چنان‌چه در قانون تبلور نیابد، ما را با قوانینی غیراخلاقی روبه‌رو می‌سازد. «تمامی نظام‌های حقوقی کشورها محتوای برخی الزامات بنیادی اخلاقی را باز تولید می‌کنند. قتل و استفاده خودسرانه از خشونت صرفاً آشکارترین نمونه‌های انطباق میان ممنوعیت‌های حقوقی و اخلاقی‌اند»<sup>۱۳</sup>. بنابراین نمی‌توان برای قانون، حیاتی مستقل از قواعد حقوقی قائل شد. نمی‌توان متن الزام آوری را که توسط مجالس قانونگذاری یا حتی در قانون اساسی وجود دارد، در صورت نقض قواعد اخلاقی و هنجارهای بنیادین قانون نامید.<sup>۱۴</sup> سومین ویژگی قانون از دیدگاه هارت به این موضوع باز می‌گردد که قاعده چیست و قانون تا چه حد قاعده محور است.<sup>۱۵</sup> مفهوم قانون در کلیه بنیان‌های حقوقی تأثیرگذار است. مفهوم قانون در نظام حقوقی ایران مبهم است. به همین جهت در بند ۵ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (ابلاغی ۱۳۹۹/۷/۶) آمده است: «تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف روشن و مشخص از قانون، ... برتران متیو در تعریف قانون می‌نویسد: «قانون، سندی است که مقام دارای صلاحیت قانونگذاری، در چارچوب قانون اساسی وضع می‌کند»<sup>۱۶</sup>.

۱۰- هارت: منبع قبلی، ص ۳۸.

۱۱- چالش این دیدگاه در هنگام ظهور مفهوم جرم بین‌المللی به طور جدی مطرح شد. برای بحث بیشتر در این ارتباط رک. نجفی ابرندآبادی، جرم بین‌المللی دولت، منبع قبلی، صص ۲۸۷ تا ۲۹۷.  
مؤمنی، مهدی: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق بین‌المللی کیفری، صص ۲۹ تا ۸۰، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲، نشر میزان.

در این باره هم‌چنین، رک.:

Chambliss, William J/ Michalowski Raymond/ Kramer, Ronald C.: State Crime in the Global Age, pp. 15-19, WILLAN PUBLISHING, UK, 2010.

۱۲ و ۱۳- هارت، منبع قبلی، ص ۴۰.

۱۴- این دیدگاه مورد قبول هارت نیست و آن را نقد می‌کند و در این باره می‌نویسد: «این ادعا که «قانون ناعادلانه قانون نیست» در اغراق و متناقض‌نمایی (اگر نگوئیم در نادرستی)، طنینی شبیه به طنین آن ادعاهایی دارد که می‌گویند: «قانون موضوعه قانون نیست» یا «قانون اساسی قانون نیست» همان منبع ص ۴۱.  
۱۵- بحث تفصیلی در این باره به حوزه فلسفه حقوق مرتبط است. در این باره رک.:

جعفری تبار، حسن: منبع قبلی، به ویژه فصل هفتم و هشتم صص ۱۵۵ تا ۲۵۸.

هارت سر تا سر کتاب خویش را به تشریح این مفاهیم؛ قانون، تنوع قوانین، قانون به مثابه قواعد اولی و ثانوی، بنیادهای نظام حقوقی عدالت و اخلاق، حقوق و اخلاق و چیستی قواعد اختصاص می‌دهد. کار بی نظیر هارت تبیین جامعی از مفهوم حقوق است. در این باره هم‌چنین رک.:

متیو، برتران: قانون، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، ۱۳۹۷، نشر میزان.

۱۶- متیو، منبع قبلی، ص ۱۴.

صلاحیت قانونگذاری در انحصار نمایندگان است که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند.<sup>۱۷</sup> این دیدگاه در قانون اساسی ایران پذیرفته شده است. به نوشته ژرژ بوردو قانون؛ «عقل بشری است که به واسطه اراده جمعی، تجلی پیدا می‌کند. قانون، نماد اراده جمعی است و به واسطه نمایندگان مردم، اعلام می‌شود»<sup>۱۸</sup>. قانون اساسی به عنوان یک منشور مستقیماً به رأی مردم گذارده شده و از برتری مطلق نسبت به قانون عادی برخوردار است.<sup>۱۹</sup> قانون اساسی متضمن حقوق بنیادین نظیر آزادی، عدالت و مردم سالاری است و ضمن وضع ساختارهای اصلی نظام سیاسی، اختیارات هر قوه و روابط آن‌ها با یکدیگر را تبیین می‌نماید. لازم است اصول قانون اساسی در قوانین عادی بازتاب داده شود و از نقض آن با هر عنوان و بهانه جلوگیری شود. به همین جهت در نظام‌های حقوقی، ساز و کارهایی برای تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی و حسن اجرای آن پیش‌بینی می‌شود. حق مجلس قانونگذاری در وضع قانون مطلق نیست. طبق اصل ۷۱ قانون اساسی، رعایت حدود مقرر در قانون اساسی در وضع قوانین باید رعایت شود. اصل ۷۲ قانون اساسی صراحتاً مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است»<sup>۲۰</sup>. قوانینی وجود دارد که مغایر قانون اساسی است. همچنین در سایر مقررات الزام‌آور نظیر مصوبات شوراهای عالی، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی و مصوبات شوراهای شهر، موارد عدیده‌ای وجود دارد که در تقابل با قانون اساسی وضع شده و در حال اجرا هستند. مقررات مذکور بسترهای لازم برای ارتکاب جرم دولتی را فراهم نموده‌اند. به همین جهت در تنظیم سیاست‌های کلی نظام این موارد مورد توجه قرار گرفت و در چند ابلاغیه بندهایی به آن اختصاص داده شد. از جمله در بند ۲ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (ابلاغی ۱۳۹۹/۷/۶) آمده است: «ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد ساز و کار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی». نقطه آغازین مقابله با جرم دولتی، پالایش قوانین و مقررات موجود است. مقرراتی در زمینه نقض حقوق بنیادین، محیط زیست،

۱۷- زمانی می‌توان یک متن را قانون عادی نامید که در مجلس شورای اسلامی تصویب و بعد از تأیید شورای نگهبان توسط رئیس‌جمهور یا رئیس مجلس طی تشریفات قانونی ابلاغ گردیده باشد. نمی‌توان سایر مصوبات الزام‌آور در نظام حقوقی ایران را قانون عادی نامید. لذا در صورتی که شورای نگهبان مصوبه‌ای را رد کند و سپس توسط مجمع مصلحت نظام به تصویب برسد، قانون نامیده نمی‌شود، زیرا به تأیید شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر قانون اساسی نرسیده است.

۱۸. G. Burdeav, *Annales de Philosophie du droit*, 1930.

به نقل از متیو، منبع قبلی، ص ۱۵.

۱۹- «نظارت بر تطابق قوانین اساسی، شرط اساسی دولت قانونمند می‌باشد. زیرا در صورت نبودن چنین اصلی، قانون اساسی چیزی بیش از یک حضور نمادین نخواهد بود.» شوالیه، منبع قبلی ص ۸۴.

۲۰- اصل ۹۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.» در عمل نیز ممکن است، اصول قانون اساسی نقض گردد. به همین جهت اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده رئیس‌جمهور قرار داده است. برای بحث بیشتر در این ارتباط رک: مهرپور، حسین: مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، مندرج در مجله راهبرد، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۷۷، صص ۱ تا ۲۸.

بهداشت و سلامت، خصوصی سازی، سیاست‌های مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی و غیره وجود دارد که تولید کننده جرم دولتی است. این مقررات نیازمند ارزیابی و پالایش جدی است. ناکافی بودن یا ناکارآمدی ساختارهای موجود باعث شده است تا در بند ۲ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، «تعیین ساز و کار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با قانون اساسی» مقرر گردد. مجلس قانونگذاری ممکن است با استفاده از حیل‌های قانونی، قانون اساسی و یا سیاست‌های کلی نظام را نادیده انگاشته و در هنگام تصویب بودجه سالانه کل کشور، بسترهای لازم جهت جرم دولتی را فراهم نماید. مثلاً بودجه سلامت را کاهش داده، یا برای پیشگیری از حوادث غیرمترقبه، پیش‌بینی‌های لازم را به عمل نیاورد. در این صورت، احتمال ایراد آسیب‌های عمده به شهروندان افزایش یافته یا هزینه‌هایی را ایجاد کند و برای تأمین این هزینه‌ها ناگزیر از افزایش مالیات‌ها یا ایجاد مالیات‌های جدید شده یا قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهد. این تصمیمات ممکن است بحران‌های اقتصادی را تشدید و یا حتی موجب بحران‌های اجتماعی گردد. لازم است اختیار مجلس در این موارد در جهت انطباق با اصول قانون اساسی و حقوق بنیادین محدود گردد. به همین جهت در بند ۷ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری آمده است: «تعیین محدوده اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه سالانه کل کشور (پیش‌بینی درآمدها، هدف‌گذاری‌ها، موارد هزینه و ...) با تصویب قانون لازم و اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس».

## ۲- دولت قانونی

دولت قانونی با تکیه بر قوانین، برای توجیه کلیه رفتارهای خود به قانون استناد می‌کند و با تفسیر قوانین به نفع خویش و برای افزایش اختیارات قانونی تلاش می‌کند و دائماً از فقدان یا ناکافی بودن اختیارات خود انتقاد می‌کند. دولت قانونی اعتنایی به هنجارهای بنیادین حقوقی در اجرای عدالت، آزادی و مردم سالاری ندارد و قانون اساسی را به عنوان قانون برتر هم به طرق گوناگون نادیده می‌گیرد. دولت قانونی، قانون را موجد هر گونه صلاحیت و حقی می‌داند. در این دیدگاه، حقوق بعد از قانون متولد می‌شود و هیچ اصل و قاعده‌ای قبل از قانون وجود ندارد. لذا، هر موضوعی که قانون، آن را تجویز کند، عین حق و عدالت است هر چند مصداق بارز ظلم و بی‌عدالتی باشد. مثلاً پرداخت مالیات تکلیف همگانی است، ولی اگر قانون، شخص یا نمادی را از مالیات معاف نماید، توجیه می‌شود. در این دیدگاه، مصوبات قوه مقننه برتر دانسته می‌شود و هیچ کس حق نقض آن را ندارد. جرم دولتی در چنین بستری شکل می‌گیرد. چون قانون می‌تواند هر گونه آسیب و تجاوز به حق طبیعی و حقوق بنیادین را تجویز نماید. دولت قانونی، هنجارهای بین‌المللی را فقط در صورتی به رسمیت می‌شناسد که آن‌ها را در تقابل با قدرت و اختیارات خویش نداند. پرسشی جدی در این ارتباط مطرح می‌شود که آیا دولت است که قواعد حقوقی را اعتبار می‌بخشد یا قواعد پیشینی هستند که اعمال قدرت توسط دولت فقط بر اساس آن‌ها مشروع تلقی می‌شود. دیدگاه اول، مبنای مفهوم دولت قانونی است. «نظم حقوقی به تمام

و کمال، اثری از دولت است و بر شالوده اراده او استوار می‌باشد و چنان‌که ژلینک می‌گوید: دولت اربابی است که برای خود قواعدی را معین می‌کند که او را محدود سازد»<sup>۲۱</sup>. این دیدگاه، بسترهای تجاوز به حقوق بنیادین و حق‌های طبیعی و در نتیجه جرم دولتی را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، جرم دولتی بی‌معنا خواهد بود. زیرا، جرم با اعمال مجازات ملازمه دارد. غیر از دولت کسی صلاحیت اعمال مجازات را ندارد. بدیهی است دولت قواعدی برای مجازات کردن خود وضع نمی‌کند. در این دیدگاه، حقوقی مستقل از دولت قابل تصور نیست. پرسش دیگر این است که دولت قانونی به چه اندازه قدرت دارد؟ آیا قدرت مطلق یا نامحدودی دارد که با هیچ اصل و قاعده‌ای نمی‌توان آن را محدود ساخت؟ پاسخ این پرسش بر اساس طرفداران نظریه دولت قانونی روشن است، چون دولت خالق و سازنده حقوق می‌باشد، بنابراین محدود کردن قدرت و اختیار وی معنا نخواهد داشت. انتقادات وارد بر نظریه دولت قانونی، موجب ظهور نظریه دولت قانونمند گردید.

### ۳- دولت قانونمند<sup>۲۲</sup>

با ظهور نظریه دولت قانونمند، مفهوم دولت قانونی به دولت حقوقی تحول پیدا کرد. مطابق این دیدگاه: «قدرت دولت، تابع حقوق است و لذا محدود می‌باشد، دقیقاً از سرشت حقوقی قدرت دولت نشأت می‌گیرد. هر قدرتی که نتواند جز به واسطه ایجاد و به‌کارگیری قاعده‌ای حقوقی به وجود آید و باقی بماند، لاجرم قدرتی محدود شده توسط حقوق می‌باشد»<sup>۲۳</sup>. جرم دولتی براساس این دیدگاه توجیه می‌شود. حقوق می‌تواند قدرت دولت را محدود نماید. اصول پیشین حقوق، برتر از نظم قانونی است که دولت آن را خلق می‌کند. در این دیدگاه، دولت زائیده حقوق است و در چهارچوب نظریه قرارداد اجتماعی ملزم و مکلف به تسلیم در مقابل هنجارهای بنیادین است. دیدگاهی که در مقدمه قانون اساسی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد...» و در ادامه آورده است: «... حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.» عبارات فوق بازتاب دهنده نظریه قرارداد اجتماعی است که محدوده واگذاری

۲۱- شوالیه، منبع قبلی، ص ۳۹.

۲۲- دولت قانونمند با معادل انگلیسی Rule of Law، فرانسه L'Etat droit آمریکایی Due process of Law آلمانی Rechtsstaat در ادبیات حقوقی از نیمه‌های قرن ۱۹ میلادی به بعد، مفهوم دولت قانونمند رواج یافت. نظریه‌های گوناگونی در این باره تاکنون توسط فلاسفه و دانشمندان حقوق عمومی مطرح شده است در این باره رک: - شوالیه، ژاک: دولت قانونمند، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، صص ۱۹ تا ۵۰، جلد اول بهار ۱۳۷۸، نشر میزان. - ویژه، محمدرضا، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۴۱ تا ۱۸۵، انتشارات جنگل. نویسنده یاد شده معادل دولت حقوقی را بر دولت قانونمند ترجیح داده است.

۲۳- شوالیه، منبع قبلی، ص ۳۹.

قدرت و اختیار به دولت، توسط جامعه را نشان می‌دهد. سپس، در مقدمه قانون اساسی حقوق بنیادین؛ عدالت، نفی تبعیض، آزادی و دموکراسی، با این عبارات مورد توجه قرار گرفته است: «... قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند». بنابراین دولت نمی‌تواند برخلاف تعهد به ملت و هنجارهای بنیادین اقدام نماید. به عبارت دیگر: «این هنجار بر نظمی از پیش موجود تکیه دارد، نظمی که گاه الهی، گاه طبیعی، گاه انسانی، گاه اجتماعی است»<sup>۲۴</sup>. خدا محوری نیز، اساس دولت قانونمند است به همین جهت در مقدمه قانون اساسی تصریح شده است: «قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد». همچنین انسان محوری و جامعه مداری در ادامه مورد توجه قرار گرفته است: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد»<sup>۲۵</sup>. بدین ترتیب محدودیت‌های زیادی برای اختیارات دولت وجود دارد که نمی‌تواند به وضع هر قاعده حقوقی بپردازد؛ به‌ویژه قواعدی که نقض هنجارهای بنیادین را به دنبال داشته باشد.

#### ب - سیاست‌گذاری جنایی درباره جرایم دولتی

واقعیت انکارناپذیر این است که نظام عدالت کیفری برای مبارزه با جرایم اشخاص فرو دست جامعه طراحی شده است. ظرفیت‌های لازم برای مبارزه با جرایم اشخاص فرا دست، با نفوذ و صاحبان قدرت کمتر وجود دارد. قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام ابلاغی رهبری، اسناد بالا دستی، سیاست‌گذاری‌های مناسبی درباره پیش‌گیری از جرم دولتی و ضرورت مقابله با آن اتخاذ کرده‌اند. هر چند در عمل قوانین جرم‌زا و سیاست‌های اجرایی و قضایی در این راستا مستلزم اصلاح و بازبینی است.<sup>۲۶</sup> تنوع جرایم دولتی مستلزم گروه‌بندی و بحث‌های مستقل است. جرم‌شناسان جرم دولتی در این باره گونه‌های مختلف را مطرح و درباره آن‌ها پژوهش‌های مستقلی انجام داده‌اند. عمده جرایم دولتی شامل: جرایم دولتی زیست محیطی، جرایم دولتی اقتصادی، نقض حقوق بنیادین نظیر عدالت، آزادی و مردم سالاری است که به عنوان نمونه برخی از موارد در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲۴- شوالیه، منبع قبلی، ص ۴۰.

۲۵- بحث بیشتر در این ارتباط مستلزم نگارش مقاله مستقلی است که تبلور اندیشه دولت قانونمند را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین نماید.

۲۶- بحث جامع در این باره مستلزم نگارش مقالات متعددی درباره تک‌تک موضوعات است. این مقاله صرفاً به طرح اندیشه نو ظهور جرم دولتی و ارتباط آن با سیاست‌گذاری عمومی اختصاص دارد. به همین جهت فقط برخی از عنوان‌های اصلی طرح می‌گردد.



### ۱- جرم دولتی در قلمروی محیط زیست<sup>۲۷</sup>

حفاظت از محیط زیست، نیاز ضروری جوامع بشری است؛ به همین جهت اصل ۵۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». از دیرباز قوانین متعددی در ایران درمورد محیط زیست به تصویب رسیده و رفتارهای مخرب را جرم انگاری نموده است. «جرم زیست محیطی یا «جرم - بوم» به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست محیطی باشد»<sup>۲۸</sup>. در صورت ارتکاب جرم توسط شهروندان و اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر رسمی، پاسخ‌های تنبیهی در انتظار آن‌هاست ولی رفتارهای دولتی در تخریب محیط زیست بدون پاسخ می‌باشد. جرم‌شناسان سبز در تبیین مفهوم جرم زیست محیطی فرا ملی، این جرم را مورد توجه قرار داده‌اند. آنان در تعریف جرم آورده‌اند: در هر رفتار مضر برای انسان، حیوان یا محیط زیست، صرف نظر از جرم انگاری آن در نظام عدالت کیفری رسمی. «ضررهای محیط زیست محور که توسط دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های قدرت ارتکاب می‌یابند. این سه گروه با اثر بخشی بر نظام جرم انگاری قادرند، از صافی رویه‌های منع آلودگی محیط زیست به سادگی عبور کنند»<sup>۲۹</sup>. همان اشکال قبلی درباره جرم انگاری جرم دولتی، این‌جا تکرار می‌شود، با چه معیاری و چگونه می‌توان دولت و نهادهای عمومی صاحب قدرت را تحت تعقیب در این موارد قرار داد. آنان به اختیارات قانونی خویش استناد نموده و خود را از مسئولیت کیفری مبرا و مصون می‌دانند. تبیین این موضوع مستلزم بازخوانی نظریه دولت قانونمند است. دولت باید براساس اصول پیشینی، حقوق و تعهدات خود در قبال شهروندان و اسناد بالادستی نظام، رفتارهای خود را تنظیم و از ارتکاب جرم دولتی خودداری کند. سیاستگذاری عمومی در قلمروی جرایم زیست محیطی مستلزم بررسی بیش‌تری است<sup>۳۰</sup>. اصل ۵۵ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را به رسمیت شناخته و هر گونه آسیب

۲۷- «محیط زیست شامل: آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد» (برگرفته از متون حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا، ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷- به نقل از: کیس، الکساندر و دیگران: حقوق محیط زیست، ترجمه دکتر محمدسن حبیبی، ص ۶ و ۷. در ماده ۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست مصوب شورای اروپا در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳ در لوگانو آمده است: «محیط زیست شامل بخش‌های زیر می‌شود:

- منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و غیرقابل تجدید مانند هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر؛

- اموال و دارای‌هایی که جزء میراث فرهنگی می‌باشند؛

- و مناظر و چشم‌اندازهای ویژه»؛

۲۸- وایت، راب: جرایم زیست محیطی فرا ملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم، ترجمه دکتر حمیدرضا دانش‌ناری، ص ۳۸، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵، نشر میزان.

۲۹- وایت، منبع قبلی، ص ۳۹.

۳۰- بحث مفصل در این باره موضوع مقالات مستقلی است. این موضوع صرفاً از دیدگاه جرم دولتی مورد بحث قرار می‌گیرد. برای مطالعه در این خصوص رک:.

- کشاورز، اسدالله: بزهدکاری سبز، جلوه‌ها و پاسخ‌های تقنینی - قضایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، نشر میزان.

و تخریب آن را مطلقاً ممنوع دانسته است. در همین راستا سیاست‌های کلی محیط زیست از اسناد مهم بالا دستی ابلاغ گردیده است. در بند ۴ سیاست‌های کلی محیط زیست<sup>۳۱</sup> (ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶) آمده است: «پیش‌گیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت». در بند ۵ نقش قوانین و مقررات و برنامه‌های توسعه در تخریب محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت مقرر می‌دارد: «پایش مستمر و کنترل منابع و عوامل آلاینده هوا، آب، خاک، آلودگی‌های صوتی، امواج و اشعه مخرب و تغییرات نامساعد اقلیم، و الزام به رعایت استانداردها و شاخص‌های زیست محیطی در قوانین و مقررات، برنامه‌های توسعه و آمایش سرزمین»<sup>۳۲</sup>. طبق بند ۲ سیاست‌های کلی درمورد منابع طبیعی (ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳)<sup>۳۳</sup>؛ «اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و مهار عوامل ناپایداری این منابع و تلاش برای حفظ و توسعه آن» مورد توجه قرار گرفته است. «نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی» در حال حاضر از عوامل تخریب منابع طبیعی است. یکی از مصادیق بارز جرم دولتی، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها است. در ظاهر قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱) و اصلاحیه بعدی آن (مصوب ۱۳۸۵/۸/۱) در جهت حفاظت از محیط زیست بوده است، ولی عملاً موجب تخریب گسترده آن را فراهم کرده است. تبصره‌های ماده یک قانون یاد شده، اختیار تغییر کاربری را به مقامات اداری داده است. مقامات اداری هم در جهت کسب درآمد به نفع دولت، اقدام به تغییر کاربری می‌نمایند. زیرا در ماده ۲ قانون یاد شده آمده است: «در مواردی که به اراضی زراعی و باغ‌ها طبق مقررات این قانون مجوز تغییر کاربری داده می‌شود، هشتاد درصد (۸۰٪) قیمت روز اراضی و باغ‌های مذکور با احتساب ارزش زمین پس از تغییر کاربری بابت عوارض از مالکین وصول و به خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد.» بدیهی است با توجه به درآمدزایی چنین اختیاری، مقامات اجرایی تمایل به موافقت

— بهلولی، حمید/ملک افضل، شیدا: بررسی سیاست‌های کاهش آلودگی هوای شهری در ایران از منظر زیست بوم سیاسی، مندرج در فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۹-۴۳.  
— رشیدی، محمد/عمرانیان خراسانی، حمید: بازنگری قانون توزیع عادلانه آب در ایران: ضرورت‌ها و اصلاحات مورد نیاز  
۳۱- تانکون ۵۳ سند تحت عنوان سیاست‌های کلی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسیده و توسط رهبری ابلاغ گردیده است.

۳۲- در بندهای دیگر موارد متعددی مطرح گردیده که عدم رعایت آن‌ها زمینه برای تحقق جرم دولتی را فراهم می‌نماید.  
۳۳- در بسیاری از بندهای سیاست‌های کلی نظام تدابیری مناسب پیش‌بینی شده که می‌تواند به کاهش جرم دولتی منجر شود، به عنوان نمونه رک:.

- سیاست‌های کلی نظام در بخش منابع آب (ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳)

- سیاست‌های کلی نظام در بخش معدن (ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳)

- سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی (ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹)

در این راستا ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حائز اهمیت است. ماده مذکور برای اولین بار در حقوق ایران به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حفاظت از محیط زیست، منابع طبیعی و میراث فرهنگی توجه نموده است. آنان می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در جرایم علیه محیط زیست اعلام جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی، شرکت کنند. علی‌رغم کاستی‌های ماده یاد شده در زمینه حق تعقیب دعوای کیفری و اعتراض به آراء صادره، می‌توان آن را تحولی مهم در ارتقای حفاظت از محیط زیست دانست.

به تغییر کاربری خواهند داشت<sup>۳۴</sup>. در همین زمینه می‌توان به قوانین مرتبط با صید و شکار<sup>۳۵</sup>، راه سازی، سد سازی و نظایر آن‌ها اشاره کرد که بسترهای لازم برای تخریب محیط زیست را قانونی نموده و موجب شکل‌گیری جرم دولتی را فراهم کرده است. مثال دیگر مربوط به حوزه «آب» است. سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳) در بخش منابع آب مستلزم قواعد مهمی در پیش‌گیری از جرم دولتی است. در بند ۴ ابلاغیه مذکور آمده است: «تدوین برنامه جامع به منظور رعایت تناسب در اجرای طرح‌های سد و آبخیز داری و آبخوان داری و شبکه‌های آبیاری...». سدسازی‌های بی‌رویه، موجب تخریب گسترده محیط زیست<sup>۳۶</sup> خشک شدن دریاچه‌ها<sup>۳۷</sup> و تالاب‌ها شده است. اجازه حفر چاه‌های عمیق که بر اساس مقررات قانونی صورت می‌گیرد، یکی دیگر از مصادیق جرم دولتی است که علت اصلی نشست زمین و از بین رفتن منابع آبی کشور و حتی خشک شدن دریاچه‌ها می‌باشد<sup>۳۸</sup>. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تخریب محیط زیست توسط دولت به مراتب بیشتر از جرایم اشخاص حقیقی است<sup>۳۹</sup>. تخریب جنگل‌ها، مراتع، باغات و مزارع به منظور سدسازی، راه سازی، تأسیس مسکن شهروندان، ساخت کارخانه‌ها و نظایر آن، به مراتب بیشتر از اقدامات زبان بار فردی است. قوانین متعددی که چنین اختیاری را برای مقامات دولتی قایل شده است، از مصادیق بارز جرم دولتی است.

۳۴- در همین ارتباط تبصره ۲ ماده ۲ قانون مذکور نیز حائز اهمیت است: «اراضی زراعی و باغ‌های مورد نیاز طرح‌های تملک دارایی اراضی زراعی و باغ‌های مورد نیاز طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی (ملی - استانی) و طرح‌های خدمات عمومی مورد نیاز مردم از پرداخت عوارض موضوع این ماده مستثنی بوده و تابع قوانین و مقررات مربوط می‌باشد». تبصره یاد شده عملاً راه را برای تبدیل اراضی زراعی و باغ‌ها به طرح‌های خدمات عمومی نظیر پارک، شهرسازی، مجموعه‌های گردشگری و نظایر آن‌ها فراهم خواهد کرد. این تبصره‌ها برخلاف سیاست‌های کلی نظام درباره محیط زیست و منابع طبیعی است.

۳۵- قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶، شکار را قانونی و تابع ضوابط مخصوص قرار داده است. در حالی که به منظور حفظ گونه‌های جانوری نمی‌توان به افراد جهت تفریح لوکس اجازه شکار به هیچ عنوان اعطاء نمود. هم‌چنین مقررات مربوط به ماهیگیری در ماده یاد شده، تولید جرم دولتی است. عملاً گونه‌های پر ارزش نظیر ماهی اوزون برون و غیره به سبب قیمت‌های گزاف در معرض انقراض قرار گرفته‌اند. اعطای مجوز به خارجیان جهت ماهیگیری بر اساس مقررات قانون یاد شده و توافقی‌های دو جانبه نیز از مصادیق جرم دولتی است.

۳۶- مثلاً سد گنوند بر اساس مقررات قانونی ساخته شده است. ابعاد فاجعه بار زیست محیطی ساختن سد مذکور به حدی است که مدیر کل دفتر زیستگاه و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست خواستار تخریب این سد شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ مهرماه ۱۳۹۴، کد خبر ۸۱۷۸۹۶۷۳).

۳۷- یکی از عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه نیز احداث ۲۲ سد در آذربایجان غربی، ۳۶ سد در آذربایجان شرقی و ۴ سد در استان کردستان است. تمامی سدهای یاد شده بر اساس مقررات قانونی ساخته شده و عملاً مهم‌ترین دریاچه جهان را خشک کرده و آثار ویرانگر زیست محیطی را ایجاد نموده است.

۳۸- دکتر پرویز کردوانی در کتاب منابع و مسایل آب در ایران (آب‌های سطحی و زیر زمینی)، منتشره در سال ۱۳۶۳ این مسأله را مورد توجه قرار داده است. وی در یکی از مصاحبه‌های خود اظهار می‌دارد: «از سال ۵۷ تا ۱۳۶۳ در رفسنجان که باید ۴۰ حلقه چاه می‌داشت، ۳۲۱ حلقه چاه حفر شده است. این میزان تا ۲ سال پیش به ۱۶۵۰ حلقه چاه بالغ شده که به معنای در خطر بودن طلای سبز ایران است...» در جهرم چاهی که در سال ۴۲ در ۳۷ متری به آب رسیده در ۶۰۰ متری به آب می‌رسد (مصاحبه با روزنامه اطلاعات به نقل از: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۵، کد خبر ۸۲۲۸۷۹۳۶). در همین مورد می‌توان به خشک کردن هورالعظیم جهت بهره‌برداری نفت که زمینه ایجاد گسترده ریزگردها را فراهم نموده اشاره کرد. تولید بنزین‌های غیراستاندارد و توزیع آن نیز مثال مناسبی جهت جرم دولتی است.

۳۹- در ایران آمار دقیقی جهت تفکیک بین نقش اشخاص حقوقی در تخریب محیط زیست و مقایسه آن با جرایم اشخاص حقیقی وجود ندارد. ولی در کشورهای دیگر آمارهای تفکیک شده وجود دارد. مثلاً در آمریکا یک پژوهش نشان می‌دهد که «از شصت و هفت متهمی که با اثبات جرم، محکوم شده‌اند، تنها در ۲۲ مورد شرکت به عنوان مجرم شناخته شده است و در باقی موارد (دو سوم باقی مانده)، افراد محکوم شده‌اند. در دو سوم پرونده‌ها، چنانچه ضابطان، شرکت را به عنوان متهم معرفی می‌کردند، خود در مظان اتهام قرار می‌گرفتند» به نقل از سیمپسون، منبع قبلی، ص ۴۹.

## ۲- جرایم اقتصادی دولتی

دولت‌ها به منظور کسب درآمد و تأمین هزینه‌های ضروری کشور به جهت ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مرتکب رفتارهایی می‌شوند که آسیب‌های عمده‌ای به شهروندان وارد آورده، آنان را فقیر و از تأمین هزینه‌های ضروری زندگی ناتوان می‌نماید. در این گونه جرایم، اصولاً نفع فردی برای دولت و مقامات دولتی وجود ندارد. به همین جهت این جرایم از جرایم اقتصادی مقامات دولتی نظیر اختلاس، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و نظایر آن‌ها متمایز می‌شود و همچنین شامل جرایم یقه سفیدان<sup>۴۰</sup> نمی‌شود. از طرف دیگر مفهوم جرم دولتی از جرم شرکتی نیز متمایز است. این گونه جرایم ناظر به رفتارهای غیر قانونی توسط مدیران و کارکنان شرکت‌های تجاری در محدوده فعالیت‌های بازرگانی است. در ایران به دلیل وجود شرکت‌های بزرگ دولتی که مبادرت به فعالیت‌های اقتصادی دارند، موضوع نیازمند تحلیل جداگانه‌ای است. البته، جرایم شرکت‌های دولتی را نمی‌توان از مصادیق جرم دولتی به حساب آورد، ولی ممکن است در مواردی با آن هم‌پوشانی داشته باشد<sup>۴۱</sup>. جرم اقتصادی دولتی ناظر به استفاده دولت از منابع کشور جهت تأمین هزینه‌های خویش با ایجاد اضرار عمده به شهروندان است که از فساد اقتصادی مقامات دولتی متمایز است. «فساد، زمانی جرم دولتی محسوب می‌شود که ائتلاف مسلط در یک نهاد - افراد قدرت، برای شکل دادن به اهداف سازمان فعالیت‌های فساد آلود را به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف سازمانی یا هدفی که خود، تعیین کننده تصمیمات سازمان است یا جایی که آن‌ها فساد را به دلایل سازمانی می‌پذیرند، مورد قبول قرار دهند»<sup>۴۲</sup> دولت‌ها با ایجاد انحصار دولتی، رانت، معافیت‌های مالیاتی، افزایش مالیات‌ها، دستکاری قیمت‌ها، تنظیم مقررات صادرات و واردات همراه با انحصار و رانت و نظایر آن‌ها، مرتکب جرم دولتی می‌شوند. فصل چهارم قانون اساسی ضمن اصول ۴۳ تا ۵۵، بنیان‌های نظام اقتصادی را تبیین نموده است. استقلال اقتصادی، ریشه کردن فقر و محرومیت، تأمین نیازهای اساسی، تأمین شرایط و امکانات همگانی کار، منع اضرار به غیر و انحصار، اسراف و تبذیر، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، افزایش تولید و برقراری عدالت اقتصادی، اصول مهمی است

۴۰- اصطلاح جرایم یقه سفیدان، اولین بار توسط ادوین ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. وی در پژوهش خویش به تحلیل رفتار کسانی پرداخت که از مناصب و اختیارات گسترده‌ای در ساختار رسمی و اجتماعی برخوردار بوده و با سوء استفاده از این اختیارات منافی را برای خود یا دیگران تحصیل می‌نمایند. در این باره رک:

— سیمپسون، سالی اس. بنسون، مایکل ال.: جرایم یقه سفیدی رویکردی فرصت مدار، ترجمه دکتر اسمعیل رحیمی نژاد، چاپ دوم، سال ۱۳۹۸، نشر میزان. در این خصوص هم‌چنین به دیباچه ارزشمند استاد دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی تحت عنوان: از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی، صص ۱۱ تا ۱۶ رجوع نمایید. هم‌چنین رک:

گسن، رمون: جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه دکتر شهرام ابراهیمی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۳، نشر میزان.  
۴۱- برای بحث بیشتر درباره جرایم شرکتی رک:

سیمپسون، سالی اس.: جرایم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی، ترجمه و تحقیق: دکتر حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، نشر میزان. «جرایم شرکتی به دلایلی چون رؤیت ناپذیری بالا، گستره بزه‌دیدگی فراوان، اثرات مخرب در نظام سیاسی و اقتصادی و ارتباط با جرایم یقه سفیدی، دولتی و سازمان یافته، امروزه به بخشی از جذاب‌ترین مباحث جرم‌شناسی انتقادی تبدیل شده است.» به نقل از منبع قبلی، صص ۱۳ و ۱۴.

۴۲- وارد، تونی/گرین، بتی؛ جرم دولتی؛ نگاهی دیالکتیکی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، مندرج در کتاب جرم‌شناسی آکسفورد، جلد ۶، صص ۲۸۶۵، در دست انتشار، نشر میزان.

که نقض آن از مصادیق جرم دولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی مرز بین اقتصاد دولتی، خصوصی و تعاونی را تبیین نموده و در اصل ۴۵ صراحتاً انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار دولت قرار داده است. بدیهی است واگذاری مالکیت آن‌ها به افراد حتی به موجب قانون از مصادیق جرم دولتی است. بهره‌برداری از آن‌ها طبق قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام و با رعایت عدالت، عدم انحصار، رقابت‌پذیری، حفظ محیط زیست، حفظ سلامت و بهداشت عمومی، عدم ایجاد شکاف طبقاتی و ایجاد نظارت کافی در عدم اضرار به جامعه، بلامانع است.<sup>۴۳</sup> مثال دیگر آن مربوط به جرم مالیاتی دولتی است. مالیات منبع مهم درآمدهای دولت است. دولت‌ها با تغییرات سیاست‌های مالیاتی ممکن است اضرارهای مهم و غیر قابل جبرانی بر شهروندان تحمیل نمایند. افزایش بی‌رویه مالیات‌ها به منظور جبران کسری بودجه، عملاً موجب تعطیلی واحدهای خدماتی، تولیدی و بازرگانی و در نتیجه تشدید بحران بیکاری می‌شود. این موارد را می‌توان از مصادیق جرم دولتی تلقی نمود. مثال دیگر آن معافیت‌های مالیاتی است.<sup>۴۴</sup> قوانین نقش بسزایی در تولید جرم دولتی مالیاتی دارند. به همین جهت در بند ۲ سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی (ابلاغی ۱۳۸۳/۲/۱۲) آمده است: «اصلاح نظام مالیاتی به منظور توسعه رفاه عمومی، رونق تولید و سرمایه‌گذاری و برقراری عدالت مالیاتی از طریق ترویج فرهنگ مالیاتی، ارتقاء اعتماد عمومی، ساده‌سازی و شفافیت، با تأکید بر مالیات بر ارزش افزوده و به حداقل رساندن معافیت‌های مالیاتی». بدین ترتیب، مالیات به منظور کسب درآمد بیشتر برای دولت و تأمین هزینه‌های آن نمی‌باشد. بلکه مالیات‌ها به منظور تقویت اقتصاد ملی، رفاه عمومی و برقراری عدالت وضع می‌شوند. معافیت‌های مالیاتی در اکثر موارد مصداق جرم دولتی است. چگونه می‌توان یک بنگاه عظیم اقتصادی را از مالیات، معاف نموده و تأمین هزینه‌های آن بنگاه را بر بودجه عمومی کشور تحمیل نمود. مثال دیگر مربوط به مقررات و سیاست‌های پولی و بانکی است. سیاست‌های اقتصادی در قلمروی نظام بانکداری عملاً موجب تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی گردیده است.<sup>۴۵</sup> اصلاح قوانین و سیاست‌های پولی و بانکی جهت پیش‌گیری از جرم دولتی ضروری

۴۳- در همین ارتباط رک.:

— سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱)، — سیاست‌های کلی نظام بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغی ۱۳۸۵/۴/۱۲)، — سیاست‌های کلی نظام در اشتغال (ابلاغی ۱۳۹۰/۴/۸)

۴۴- تا کنون ارزیابی درستی از میزان تأثیر معافیت‌های مالیاتی مانند مناطق آزاد و ویژه، کشاورزی و ... نشده است. لذا برخی از این فعالیت‌ها در جهت فرارهای مالیاتی ناشی از ضعف مدیریتی فعالیت‌های اقتصادی کشور هدایت می‌شوند. معافیت‌هایی نظیر معافیت ۴۰ هزار میلیاردی تبصره ۲ ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم یا معافیت همه فعالیت‌های فرهنگی و هنری دارای مجوز، بند ل ماده ۱۳۹ قانون یاد شده نظیر کنسرت‌های موسیقی و مانند آن، از این جمله هستند. به نقل از ترکی، غلام‌عباس: واکاوی فساد مالی در ایران، ص ۱۳۵، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، میزان.

۴۵- برای مطالعه در این باره رک.:

عرب نژاد، یا سر/ فخری‌زاده کرمانی/ علی رضا: دور زدن قوانین بانکی ممنوع، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۹، نشر میزان — اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی کرمان.

است. به همین جهت در بند ۶ سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی (ابلاغی ۱۳۸۳/۲/۱۲) آمده است: «اصلاح ساختار سازمانی بانکها در جهت افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و روان‌تر شدن عملیات و خدمات - اصلاح ساختار مالی در جهت کفایت سرمایه با توجه به استانداردهای جهانی و کاهش بدهی‌های دولت. عادلانه کردن سود تسهیلات با رعایت موازین بانکداری اسلامی، رقابتی کردن فعالیت‌ها با هدف رونق سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید». دولت با دست‌اندازی به منابع بانکها و استقراض از آنها، عملاً بانکها را به خزانه دوم خود تبدیل می‌نماید و بدین وسیله مانع از نقش آفرینی مثبت بانکها در عرصه اقتصادی می‌شود. بدین وسیله اضرار گسترده‌ایی به نظام اقتصادی و در نتیجه مردم وارد می‌آورد.<sup>۴۶</sup> دولت‌ها ممکن است با ایجاد انحصار، واگذاری معادن، جنگل‌ها، مراتع، بندرها، دریاها به دیگران جهت بهره‌برداری، انعقاد قراردادهای خارجی اقتصادی<sup>۴۷</sup>، آسیب‌های جدی به شهروندان وارد نمایند. برخی از این مصادیق از دیدگاه سیاستگذاری عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۳- جرم دولتی در قلمرو نقض حقوق بنیادین

حقوق بنیادین<sup>۴۸</sup> مجموعه‌ای از حق‌های طبیعی و غیرقابل سلب بشر است که شالوده اجتماع و نظام سیاسی باید بر آن استوار گردد. قانون اساسی و اسناد بین‌المللی، مصادیق این حقوق را شناسایی و به رسمیت شناخته‌اند. حقوق بنیادین، شامل حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی، عدالت و نفی هر گونه تبعیض، حق انتخاب و مردم‌سالاری است. حقوق بنیادین حتی با وضع قانون قابل سلب نیستند. به همین جهت اصل نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های

در این کتاب ده‌ها مثال از واحدهای تولیدی و صنعتی ذکر شده که با توجه به قراردادهای بانکی به تعطیلی کشیده شده است. ۴۶- در همین ارتباط رک. به:

سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی (ابلاغی ۱۳۷۷/۱۰/۲۳) - سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۷۸/۷/۲۲) - سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری (ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹) - سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱) - سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی (ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹) - سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت (ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹) - سیاست‌های کلی نظام توسعه (ابلاغی ۱۳۷۸/۱۰/۲۱) - سیاست‌های کلی نظام در اشتغال (۱۳۹۰/۴/۲۸) - سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی (۱۳۹۱/۱۱/۲۴) - سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹)

۴۷- مثلاً ممکن است قراردادهای واگذاری صید ماهی به خارجیان، موجب صید بی‌رویه و نابودی بسیاری از گونه‌های جانوران دریایی در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر را فراهم نماید. یا واگذاری جنگل‌ها به برخی نهادهای عمومی ممکن است موجبات قطع بی‌رویه درختان و نابودی جنگل‌ها را در پی داشته باشد.

۴۸- قانون اساسی ایران، این اصطلاح را مورد استفاده قرار نداده است، ولی مصادیق آن را در مقدمه و اصول متعدد بیان داشته است که اهم آن‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد. برای آگاهی از مفهوم و محتوای حقوق بنیادین رک.:

- شوالیه، منبع قبلی، صص ۱۰۷ تا ۱۱۱.

- گرجی، علی‌اکبر، مبنا و مفهوم حقوق بنیادین، مندرج در نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳، صص ۸ تا ۲۶.

مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند»<sup>۴۹</sup>. مردم سالاری نیز از مصادیق مهم حقوق بنیادین است که از اصول تغییرناپذیر قانون اساسی است. به همین جهت در قسمتی از اصل ۱۷۷ قانون اساسی آمده است: «... جمهوری بودن حکومت ... و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است».

علاوه بر قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۵۰</sup>، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۵۱</sup> و اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی نظام<sup>۵۲</sup>، مصادیق متعدد حقوق بنیادین را پیش‌بینی نموده‌اند. به طور خلاصه بیان می‌شود، نقض هر کدام از حقوق بنیادین، هر چند با تصویب قانون از مصادیق جرم دولتی است. بحث درباره تک تک مصادیق حقوق بنیادین و نقض آن به عنوان جرم دولتی مستلزم نگارش مقالات متعددی است.

### نتیجه‌گیری

به رسمیت شناختن مفهوم نوظهور جرم دولتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ حقوق بنیادین و طبیعی بشر، محیط زیست و تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان است. بررسی تحولات حقوق کیفری ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که رفته‌رفته، بسیاری از رفتارهای به ظاهر قانونی دولت‌ها، به جهت ایجاد آسیب‌های عمده به شهروندان، جرم‌انگاری گردیده‌اند. اگر در گذشته دولت‌ها خود را مجاز به ارتکاب هر نوع رفتاری می‌دانستند و خود را خالق حقوق و قواعد حقوقی تلقی می‌کردند، امروزه قادر به حفظ سنگرهای خویش نیستند و ناچارند در جهت حفظ ارزش‌ها و هنجارها و جلوگیری از هر نوع آسیب مستقیم و غیرمستقیم به شهروندان مقرراتی را وضع کرده و خسارت‌های وارده را نیز جبران نمایند. دولت‌ها ناگزیرند که اصل برتری قانون اساسی و اسناد بین‌المللی را پذیرفته، سیاست‌ها، قوانین و مقررات خویش را بر آن

۴۹- درباره مصادیق حقوق بنیادین در قانون اساسی رک. آزادی اقلیت‌های دینی (اص ۱۲)، آزادی عقیده و ممنوعیت تفتیش عقاید (اص ۲۳)، آزادی احزاب و تشکلهای صنفی (اص ۲۶)، آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اص ۲۷)، حق انتخاب شغل (اص ۲۸)، حق ملیت و انتخاب تابعیت (اص ۴۱)، حق مالکیت (اص ۴۷)، حق آزادی رفت و آمد (اص ۷۹)، حق برخورداری از محاکمه علنی (اص ۱۶۵)، همچنین اصول مربوط به برخورداری از عدالت، مساوات و عدم تبعیض شامل: اصل ۲۹ (برخورداری از تأمین اجتماعی، بهداشت، سلامت، درمان، بیمه و غیره) آموزش و پرورش رایگان (اص ۳۰)، اصول مربوط به مردم سالاری مانند اتکاء اداره کشور بر آراء عمومی از طریق انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و نظایر آن و حق فراندوم (اص ۶)، حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن (اص ۵۶) و اصول متعدد دیگر اصول مربوط به امنیت قضایی؛ ممنوعیت دستگیری (اص ۳۲)، حق دادخواهی (اص ۳۴)، حق انتخاب وکیل (اص ۳۵) حق برخورداری از اصل قانونی بودن مجازات‌ها (اص ۳۶)، اصل برائت (اص ۳۷)، ممنوعیت شکنجه (اص ۳۸)، ممنوعیت تنگ‌حرم در هنگام دستگیری و بازداشت و زندانی شدن (اص ۳۹) و نظایر آنها

۵۰- اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، با ۴۸ رأی موافق از جمله ایران به تصویب عمومی سازمان ملل متحد رسید.

۵۱- دو میثاق مذکور در سال ۱۹۶۶ به تصویب اعضای مجمع عمومی سازمان ملل از جمله ایران رسید. مجلس شورای ملی، قانون اجازه دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ به تصویب رسانید.

۵۲- در این باره رک.: سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت قضایی (ابلاغی ۱۳۹۹/۱۱/۳) — سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی (مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۸) — سیاست‌های کلی سلامت (ابلاغی ۱۳۹۳/۱/۱۸) — سیاست‌های کلی انتخابات (ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴) — سیاست‌های کلی نظام در بخش اقوام و مذاهب (مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۲).

اساس تنظیم نمایندند. آثار زیان‌بار آسیب‌های ناشی از جرم دولتی به مراتب شدیدتر از اقدامات بزهکارانه فردی یا سازمان یافته گروهی است. لایه‌های پنهان جرم دولتی مستلزم شناسایی، جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های متناسب و پیش‌بینی راهکارهای مناسب جهت جبران آسیب‌های ناشی از آن است. به همین جهت در بند ۲ سیاست‌های نظام قانونگذاری (ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶) ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی ضروری دانسته شده است. یا در بند ۵-۶ سیاست کلی نظام در مورد پیش‌گیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه (ابلاغی ۱۳۸۴/۶/۲۵) بر تهیه و تصویب قوانین و مقررات لازم برای جرم و تخلف شناختن ساخت و سازهای غیرفنی، تأکید شده است. اطلاق عبارت فوق شامل اقدامات دولت هم می‌شود که ممکن است در ساخت و سازها رعایت مقررات فنی را نکرده باشد. همان‌طور که در ساخت بعضی از واحدهای مسکن مهر، سد گتوند و نظایر آن، به جهت عدم رعایت ضوابط فنی مربوط به گسل‌های زلزله و محیط زیست آسیب‌های غیر قابل جبرانی ایجاد شده است. مثال‌های متعدد دیگر در زمینه بهداشت و سیاست عمومی، مقابله با حوادث طبیعی، قصور در مقابله با کرونا و نظایر آن‌ها وجود دارد که مستلزم نگارش مقالات مستقل می‌باشد.

### منابع<sup>۵۳</sup>

- ۱- استنلی، الیزابت / کالاک، مک: مقاومت در برابر جرم دولتی، ترجمه مهدی سمایی، منتشره در ۱۳۹۸/۹/۱۹، پرو بلماتیکا (Problematica.com)
- ۲- برتران مَیو: قانون، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، ۱۳۹۱، نشر میزان.
- ۳- بهلولی، حمید / ملک افضلی، شیدا: بررسی سیاست‌های کاهش آلودگی هوای شهری در ایران از منظر زیست بوم سیاسی، مندرج در فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۴۳-۹.
- ۴- بهلولی، حمید: ارتباط حوزه عمومی و کاهش فساد، نگاهی از منظر سیاست‌گذاری عمومی، مندرج در فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۳۰-۲۰۵.
- ۵- ترکی، غلام عباس: واکاوی فساد مالی در ایران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، نشر میزان.
- ۶- جعفری تبار، حسن: منطق حیرانی در باب استدلال حقوقی، چاپ اول، ۱۳۹۹، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.
- ۷- داوری، کامران / رشیدی، محمد / عمرانیان خراسانی، حمید: بازنگری قانون توزیع عادلانه آب در ایران، ضرورت‌ها و اصلاحات مورد نیاز، مندرج در فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۶۹-۲۵۳.
- ۸- روبرو، دیدیه: حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر بهزاد رضوی فرد، دکتر محمد فرجی، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۹، نشر میزان.
- ۹- سیمپسون، سالی اس. بنسون، مایکل ال.: جرایم یقه سفیدی رویکردی فرصت مدار، ترجمه دکتر اسمعیل رحیمی نژاد، چاپ دوم، سال ۱۳۹۸، نشر میزان.
- ۱۰- سیمپسون، سالی اس: جرایم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی، ترجمه دکتر حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، نشر میزان.

۵۳- به جهت رعایت اختصار، فهرست قوانین و سیاست‌های کلی نظام و برخی منابع که جهت مطالعه بیشتر در پاورقی‌ها معرفی شده‌اند، از فهرست منابع حذف گردیده‌اند.



- ۱۱- شوالیه، ژاک: دولت قانونمند، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸، نشر میزان
- ۱۲- غلامی، حسین / غلامی نبی‌الله: جرم حکومتی، رویکردی نوین در تحلیل آسیب‌های اجتماعی مندرج در مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صص ۴۹۷ تا ۵۱۸
- ۱۳- غلامی، نبی‌الله / عباسی، محمود: درآمدی بر مفهوم جرم دولتی، از منظر اصول اخلاق زیستی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مندرج در مجله اخلاق زیستی، دوره هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۸۴ تا ۹۵.
- ۱۴- کشاورز، اسدالله: بزهکاری سبز، جلوه‌ها و پاسخ‌های تقنینی - قضایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، نشر میزان.
- ۱۵- گسن، رمون: جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه دکتر شهرام ابراهیمی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۳، نشر میزان.
- ۱۶- لسلت، کریستین: رویکرد جرم‌شناختی به جرایم دولتی و پاسخ به آن‌ها، ترجمه دکتر جمشید غلاملو و دکتر آزاده صادقی، مندرج در کتاب: رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، صص ۱۰۳ تا ۱۳۴، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، نشر میزان.
- ۱۷- ماری دوپویی، پیر: ملاحظاتی پیرامون جرم بین‌المللی دولت، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مندرج در مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، شماره ۱۳، صص ۲۷۵ تا ۳۲۰.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین: مسئولیت کیفری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۳، صص ۱۷۱ تا ۱۹۹.
- ۱۹- وارد، تونی/گرین، بتی؛ جرم دولتی؛ نگاهی دیالکتیکی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، مندرج در کتاب جرم‌شناسی آکسفورد، جلد ۶، چاپ اول، در دست انتشار، نشر میزان.
- ۲۰- وایت، راب: جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم، ترجمه دکتر حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵، نشر میزان.
- ۲۱- هارت، هربرت: مفهوم قانون: ترجمه دکتر محمد راسخ، چاپ دوم، ۱۳۹۰، نشر نی.

22- Chambliss, William J. Moloney, Christophery J: STATE CRIME, Volume II, Volume III, Volume IV. Routledge, First published 2015, LONDON NEW YORK

23- Ezeonu, Ifeany: Market Criminology; State-Corporate Crime in the Petroleum Extraction Industry, Routledge, 2018, LONDON and NEW YORK.

24- Green, Penny/Ward, Tony: STATE CRIME; Governments, Violence and Corruption, First published, 2004, Pluto Press, LONON, STERLING, VIRGINIA.

25- Lampe, Klausvon: Organized Crime, SAGE Publication, 2016, United Kingdom.

26- Rothe, Dawn L/Kauzlarich David: TOWARDS A VICTIMOLOGY OF STATE CRIME, Routledge, 2014

27- Stanley, Elizabeth/ Mc Culloch State crime and Resistance, First published, 2013, Routledge, London and NEW York.